

## نامهء عاشقانه ای به دنیا

اثر «فرنگ اکس واکر»

برگردان از «علی فرهنگ ترجمان»

---

ای دنیا تو را دوست دارم

دوست دارم چهره های هفتگانه ات را

دوست دارم آب های شفابخش را

که پهناور و ژرفند

دوست دارم که چگونه

با خورشید و ماهت

به ما درس می دهی

در باب همراهی

در باب دگرگونی

در باب انقلاب

دوست دارم آینه ای که در کانون دوست

و گونه ای که نیمکره هایت را به رخ می کشد

و درس های مهمی که به ما می آموزد

در باب توازن

در باب تعمق

در باب تمرکز

دوست دارم که چگونه هر کدام از ما

چون دنیایی کوچکیم

و چگونه هر زلزلهء تو لرزش ماست  
و هر سونامی تو چون عطسهء ماست  
و این چنین نیز برای بهمن ها و رانش هایت

هنگامی که تو تب داری  
ما آن را خشکسالی می خوانیم  
زمانی تو خودت را در یخ پوشاندی تا گرمای تبت را خنک کند

وقتی تو هر روز می گری  
از برای جهل مستمر ما  
از برای کوتاهی های بزرگ و  
دعوا های بی معنی ما  
و دگر معصیت های ما  
پرده هایت پاره می شود  
و ما دوباره متولد می شویم

دوست دارم آغوش بازت را  
جاذبهء مشترکی که بین ماست  
و کششی که تو داری

در تلافی هر گنجینه ای که ما  
از رحم تو می رباییم  
تو نگرگ و تندباد به سوی ما می فرستی  
هنگامی که ما زهر های بدون پادزهر می سازیم

و از خود بنا های یادبود می افرازیم  
تو گردباد و توفان روانهء ما می کنی  
تا ما را یادآور شوی که چه کوچک هستیم

با همه ی اینها تو هر روز  
ما را فروتن و شیفتهء خود کرده  
و با زیبایی طبیعت خود  
اشک به چشمانمان می آوری

سعی ما در تقلید از مناظر تو  
چیزی هایی است که ما  
با گستاخی آنها را هنر و رقص  
موسیقی و شعر  
معماری و زبان  
و عشق می خوانیم

ما هیچ گاه در آزمون انسانیت سربلند نخواهیم بود  
مادامی که نمی توانیم  
درس هماهنگی و همسازی را بیاموزیم  
و ترس و نفرت را فراموش کنیم

ای دنیا از تو ممنونیم  
به خاطر این امتحان ساده  
و این که مانند همیشه

ما را سزاوار محبت خود می دانی

مایی که تو را متقابلا دوست داریم  
و می دانیم که هر چه بر تو می آوریم  
بر خود نیز می آوریم